



## Representation of Types of Imperative Mood in Persian Language: Cognitive Approach

**Farzane MalakiArfai**<sup>1</sup>

PhD Candidate in Linguistics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

**Mojtaba Monshizadeh**<sup>2</sup>

Corresponding author, Associate Professor, Department of Linguistics, AllamehTabatabaei University, Tehran, Iran.

**Hayat Ameri**<sup>3</sup>

Associate Professor, Department of Linguistics, TarbitModares University, Tehran, Iran.

**FerdousAghagolzadeh**<sup>4</sup>

Associate Professor, Department of Linguistics, TarbitModares University, Tehran, Iran.

### Abstract

The present paper dealt with the analysis of imperative mood based on cognitive linguistics approach. The aim of this paper was to describe and determine the criterion of understanding imperative mood in different language levels and what is beyond it. The research hypotheses were based on the distinctions between the form and meaning components in imperative mood and its distribution in the language corpus of contemporary Persian fiction. In this study, the different categories of imperative mood in Persian language were analyzed through descriptive and qualitative methods. The corpus contained text samples from eight different novel stories written by four men and four women writers. In order to limit the influence of confounding variables in language use, the corpus was selected from the same language style and context to some extent .

Cognitive Linguistics subsumes that language is an integral facet of cognition which reflects the interaction of social, cultural, psycho-logical, communicative and functional considerations, and which can only be understood in the context of a realistic view of acquisition, cognitive development and mental processing. It seeks insofar as possible to explicate language structure in terms of the other facets of cognition on which it draws, as well as the communicative function it serves .

Considering preliminary nature of language corpus, it seems that imperative mood could be easily observed in situational context such as different kinds of stories, but it was not as simple as it might be imagined. Because of existing distinction between form and meaning, different influential factors need to be considered from all aspects of language levels so that the results to be clear and acceptable .

---

Received on: 26/04/2018

Accepted on: 29/09/2018

<sup>1</sup>. Email: farzane\_malaki86@yahoo.com

<sup>2</sup>. Email: monshizadeh@atu.ac.ir

<sup>3</sup>. Email: h.ameri@modares.ac.ir

<sup>4</sup>. Email: aghagolz@modares.ac.ir

The studies done represent that verbal mood is divided into two general sets: indicative mood and non-indicative mood like imperative and subjunctive mood. Generally speaking, imperative mood is commonly used to express a command, order, request, suggestion, etc. In some languages like Persian, the form and meaning of imperative mood can be observed in imperative verbs, modal verbs, also some nouns, adjectives and adverbs may express imperative mood. An imperative sentence is defined as a sentence which has no surface subject (apart from some specific contexts that subject appears to convey novel meaning which might be studied), and either a main verb or emphatic do in the base form. In most languages, it usually appears without any modal verbs. Crystal (2004:227) remarks that an imperative usage refers to verb forms or sentence, clause types typically used in the expression of command, e.g. Go away.

Formally, imperative clauses, as Bibber et al. (1999, p. 219) comment, are characterized by the lack of a subject, the use of the base form of the verb, and the absence of modals as well as tense and aspect markers as in:

Get off the table.

Don't forget about the deposit.

According to the existing researches done, imperative mood is formally distinguishable from other sentence types of the language in which they appear: i.e., they have distinctive morphology, syntax and main verb. In general, the grammatical status of imperative sentences is puzzling, syntactically and semantically. Imperative verbs have little or no inflectional morphology in data observed; that is why, it is very challengeable issue although data analysis from cognitive view show that the base of the verb in the form of imperative structure has a high frequency

The analysis of language samples in this study indicated that recognizing imperative mood does not just rely on considering the command of doing an action and the request of something based on modal verbs and verbal mood. Data analysis showed that even some nouns, adjectives and adverbs might do this function; therefore, the other aspects of language in higher language levels should be paid attention so as to be understand the distinction of imperative mood from indicative and subjunctive better.

According to cognitive linguistics approach which is the theoretical framework of this study, language is a part of cognitive system and the syntactic structure of a language can't be separately studied, but all influential factors could be considered from different language aspects. The results showed that the base of the verb had a high frequency in the corpus, but the form and meaning may show the other kinds of mood, thus recognizing imperative mood depends on different language constituents in context. As a result, all language layers, forms and meanings should be taken into account and analyzed cognitively in describing and explaining of imperative mood.

**Keywords:** mood; imperative mood; cognitive linguistics; fiction.



## بازنمایی انواع وجه امری در زبان فارسی: رویکرد شناختی

فرزانه ملکی ارفعی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات، تهران

مجتبی منشی‌زاده<sup>۲</sup>

نویسنده‌ی مسئول، دانشیارگروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی

حیات عامری<sup>۳</sup>

دانشیارگروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

فردوس آفاگل‌زاده<sup>۴</sup>

دانشیارگروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

مقاله‌ی حاضر در چهارچوب نظریه‌ی زبان‌شناسی شناختی به تحلیل وجه امری در ادبیات داستانی زبان فارسی می‌پردازد. هدف از پژوهش حاضر تحلیل وجه امری در سطح جمله و فراتر از آن است. فرضیه‌ی این پژوهش با تأکید بر تمایز موجود بین صورت و معنی وجه امری و توزیع آن در ساخت‌های زبانی متفاوت بنا شده است. بر اساس رویکرد زبان‌شناسی شناختی، زبان بخشی از نظام شناختی است و ساختار نحوی زبان را نمی‌توان مستقل از ملاحظات معنایی و کاربردشناسی مطالعه نمود. داده‌های پژوهش از هشت کتاب ادبیات داستانی معاصر از چهار نویسنده خانم و آقا که به روش تصادفی ساده انتخاب شده، گرفته شده است.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش توصیفی و کیفی نشان دهنده‌ی کاربرد وجه امری در صورت‌ها و سطوح متفاوت زبانی است. بر اساس تحلیل زبان‌شناسی شناختی، اگر توصیف و تبیین وجه امری صرفاً با توجه به صورت زبانی و در سطح جمله انجام شود نتیجه‌ی چالش برانگیزی را به دست می‌دهد و طیف وسیعی از داده‌ها از دیدگاه صورت و معنا کنار گذاشته می‌شود، زیرا در برخی داده‌ها صرفاً اسم، صفت و قید مفهوم وجه امری را به ذهن تداعی می‌کنند. بنابراین، با رویکرد شناختی و در نظر گرفتن همه سطوح زبانی سعی شده شناخت دقیق‌تری از وجه امری ارائه شود. بدین ترتیب چالش‌ها و ابهام موجود در آموزش زبان فارسی در تعیین نوع وجه در سطح فراتر از جمله کم رنگ‌تر خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** وجه، وجه امری، زبان‌شناسی شناختی، ادبیات داستانی

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۰۶

<sup>۱</sup> رایانامه: farzane\_malaki86@yahoo.com

<sup>۲</sup> رایانامه: monshizadeh@atu.ac.ir

<sup>۳</sup> رایانامه: h.ameri@modares.ac.ir

<sup>۴</sup> رایانامه: aghagolz@modares.ac.ir

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/jtpsol.2019.1824

صص: ۲۰۰-۱۸۳

## ۱. مقدمه

پژوهش حاضر به مطالعه‌ی صورت و معنی وجه امری در ادبیات داستانی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی می‌پردازد. وجه از دیدگاه دستور نویسان سنتی مقوله‌ی صرفاً دستوری است، درحالی‌که بر اساس معیارهای زبان‌شناسی جدید، تمایز آشکار بین وجه به‌عنوان مقوله‌ی معنایی و وجه به‌عنوان مقوله‌ی دستوری وجود دارد. وجه به‌طور کلی مقوله‌ی معنایی است، از نظر معنا به نگرش متکلم به وقوع یک رویداد اطلاق می‌شود که به کمک سازه‌های زبانی متفاوتی بیان می‌شود، اما به لحاظ دستوری در سطح ساختواژی فعل بازنمایی می‌شود. به اعتقاد بسیاری از دستور نویسان و زبان‌شناسان سه نوع وجه نظیر اخباری، امری و التزامی در زبان فارسی وجود دارد. از دیدگاه دیگر، از آنجاکه تمایز آشکار بین وجه امری و التزامی وجود ندارد، به لحاظ ساخت صوری، وجه فعل به دو دسته کلی: وجه اخباری و غیراخباری (امری و التزامی) تقسیم می‌شود. وجه امری بر فرمان دادن، درخواست کردن و موارد دیگر نیز دلالت می‌کند مانند: «برو، بکن، نکن (فرمان)، ای صبح طلوع مکن، خدایا کمکم کن (خواهش و تمنا). در وجه امری گوینده وقوع یا عدم وقوع را به طریق خواهش یا فرمان طلب می‌کند مانند «برو، باید برو» (Shariyat, 2005, p. 131). وجه امری از ستاک حال و آینده مضارع فعل ساخته می‌شود.

به اعتقاد پالمِر در زبان‌هایی مثل لاتین و بسیاری از زبان‌های اروپایی که در آن‌ها وجه فعلی وجود دارد، می‌توان بین ویژگی‌های صوری و مقوله‌های معنایی تمایز گذاشت (Palmer, 1986, p. 21). این مسئله در مورد زبان فارسی نیز که برخوردار از وجوه اخباری، التزامی و امری است، صدق می‌کند. با توجه به پژوهش‌های انجام شده از سوی پژوهشگران به‌نظر می‌رسد هنوز در تعیین وجه فعل دشواری وجود دارد. به‌عنوان مثال وجه فعل به‌لحاظ ساخت صوری اخباری است، اما از دیدگاه معنایی امری است. علاوه بر این، وجه امری و التزامی دارای ساخت صوری مشابه هستند و معنا در تعیین نوع وجه نقش دارد. از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان زبان‌شناس، وجه فعل نظیر زمان دستوری و نمود، مقوله‌ای ساختواژی- نحوی است و بر این نکته که وجه مقوله نحوی است، تأکید می‌کنند. به اعتقاد آنها وجهیت و وجه در همه زبان‌ها در ساخت‌واژه‌ی فعل بازنمایی نمی‌شود، بلکه ممکن است در برخی زبان‌ها با کمک افعال اصلی، قیود، صفات و اسامی وجهی بیان شود. از این رو، تعدادی از زبان‌شناسان وجه فعل و وجهیت را در ارتباط با کل جمله می‌دانند و وجه را مقوله‌ی نحوی نظیر نمود و زمان دستوری می‌دانند که جزء سازه‌های جمله نیستند. وجه فعل اصطلاح دستوری است در حالی که وجهیت معناشناختی است. پورترنر وجه فعل را عنصری برای بیان وجهیت می‌داند و بر اساس نقشی که آن جمله در گفتمان دارد، تعیین می‌شود (Portner, 2009, p. 3). به اعتقاد نگارندگان این مقاله وجه در زبان فارسی مقوله‌ی ساختواژی- نحوی است که باید آن را در سطح جمله و فراتر از جمله و با توجه به همه‌ی سازه‌های زبانی بررسی نمود.

## ۲. چارچوب نظری

پژوهش حاضر در چهارچوب نظریه‌ی شناختی به کارکرد وجه امری در زبان فارسی می‌پردازد و کوششی است در جهت روشن شدن و تشخیص ویژگی‌های وجه امری. از آنجاکه در برخی موارد در تعیین وجه در سطح جمله با مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم و تمایز موجود بین وجه امری و التزامی به‌لحاظ ساخت صوری مشابه شفاف نیست، لذا تشخیص تمایز وجه امری با دیگر وجوه و ارائه‌ی تصویر ذهنی روشن درخصوص ویژگی‌های آن ضروری است. در وجه امری تمرکز گوینده روی فرمان و امر است، اگر برای وجه امری ویژگی امر به انجام کنش یا نهی از آن در سطح جمله که بیشترین فراوانی را دارد، اساس قرار دهیم، دچار مشکل می‌شویم چون دیگر انواع وجه امری نظیر درخواست کردن، دعوت کردن، آموزش دادن و پیشنهاد دادن که فراوانی بالایی دارند، کنار گذاشته می‌شوند. علاوه بر این، اگر تعیین وجه امری صرفاً با توجه به نوع وجه فعل و در سطح جمله مورد بررسی قرار گیرد، دیگر صورت‌های زبانی نظیر اسم، صفت و قید که وجه امری را بازنمایی می‌کنند، نادیده گرفته می‌شوند. در ضمن، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در برخی موارد انتخاب وجه فعل صرفاً از سوی گوینده صورت نمی‌گیرد؛ بلکه ویژگی‌های خود بند در جمله و ارتباط آن با بندهای پایه نیز تأثیرگذار است. بنابراین، با رویکرد زبان‌شناسی شناختی می‌توان به درک و شناخت بیشتر وجه امری و کارکرد آن در زبان فارسی دست یافت.

## ۱.۲. مسأله پژوهش

از آنجاکه پژوهش‌های محدودی در این زمینه انجام شده و پرسش‌های چالش برانگیزی نظیر: «آیا تمایزی بین صورت و معنا در ساخت امری وجود دارد؟ کاربرد وجه امری در زبان فارسی به چه صورت است؟» وجود دارد، مثال‌هایی نظیر داده‌های زیر، بیانگر تمایز موجود بین صورت و معنی وجه است، در نتیجه تعیین تشخیص وجه به آسانی صورت نمی‌گیرد و مستلزم تحلیل شناختی است.

(۱) خانم، بیمار سوند لازم دارد (Vafi, 2005, p. 91).

در این مثال، وجه فعل اخباری است، اما کارکرد «خانم» که از مقوله‌ی اسم و بیانگر صورت خطایی است، به‌لحاظ معنایی وجه امری را بازنمایی می‌کند. در این بافت زبانی گوینده‌ی واقعی رویداد زبانی پزشک است که در بافت موقعیت در مقام فرادست قرار دارد و مخاطب او خانم پرستار است که در وضعیت فرودست است، گوینده از تحقق رویداد زبانی از سوی مخاطب در آینده نزدیک اطمینان دارد. در این بافت موقعیت، اطاعت کردن از دستور پزشک یعنی گوینده «یک باید و دستور» است و خانم پرستار آن را انجام خواهد داد. بافت موقعیت و عناصر شرکت‌کننده در آن بیان‌گر وجه امری از نوع دستور دادن است و امکان تحقق این رویداد زبانی از فضای ذهنی گوینده به فضای واقعیت وجود دارد. بنابر این، در تعیین وجه توجه به صورت زبانی در

سطح جمله به تنهایی کفایت نمی‌کند، معنی و بافت موقعیت و توجه به سطح فراتر از جمله نیز تعیین‌کننده‌ی نوع وجه و امکان تحقق آن است. به فعلی نظیر «لازم داشتن» که وجه اخباری است، نمی‌توان نوع وجه را تعیین نمود؛ بلکه صورت خطابی «خانم» که نقش اسمی دارد، تعیین‌کننده‌ی نوع وجه است.

۲) پدر گفت: استکان را به لب می‌گیری و یکدفعه تهش را می‌کشی بالا و به یک نفس فرو می‌دهی، ببین، هان (Ahmadm Mahmood, 2002, p.33).

در این مثال نیز تمایز بین صورت و معنی مشاهده می‌شود و رابطه‌ی یک‌به‌یک بین صورت و معنا وجود ندارد. افعال «می‌گیری، می‌کشی، فرو می‌دهی» به لحاظ ساخت امری نیستند، اما از دیدگاه معنایی کاربرد این افعال به همراه فعل «ببین» وجه امری از نوع آموزش دادن را به ذهن‌گوشور فارسی‌زبان تداعی می‌کند، به نظر می‌رسد گوینده‌ی کنش زبانی با بیان فعل امر «ببین» در حال آموزش دادن مفهومی است و صورت زبانی به کار رفته به معنی «بگیر، بکش، فرو بده» است. در مورد امکان تحقق این رویداد زبانی از فضای ذهنی گوینده به فضای واقعیت محل تردید است. بنابراین، در مورد تحقق رویدادهای زبانی از نوع آموزش دادن نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که آیا یادگیری تحقق یافته است یا نه؟

۳) دیده بودم که آدم‌های نترس و شجاع چیزهای سیاسی می‌نویسند و گل می‌کنند (Moradikermani, 2005, p. 315).

۴) خیلی‌ها رادیو نداشتند و آن‌ها که داشتند کلی برو و بیا و اهن و تلمپ داشتند (Moradikermani, 2005, p. 166).

در نمونه‌های شماره ۳ و ۴، صورت‌های زبانی «نترس، برو و بیا» به لحاظ ساخت زبانی امری هستند، درحالی‌که در این بافت زبانی در نقش فعلی به کار نرفته‌اند، بلکه اسم و صفت هستند، نمونه‌هایی از این دست شاهده‌ی بر تفاوت صورت و معنی است.

۵) زود، خیلی زود ... اسباب‌اصلاح... شام (Ahmadm Mahmood, 2002, p. 58).

در مثال بالا، حذف فعل صورت گرفته است و کاربرد قید «زود، خیلی زود...» به همراه دیگر صورت‌های زبانی «بیانگر مفهوم وجه امری است. بنابر این، وجه امری با صورت‌های زبانی متفاوتی بازنمایی می‌شود. داده‌های برگرفته از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که توجه به ساخت نحوی و معنی در تعیین وجه ضرورت دارد و امکان تعیین وجه فعل در برخی موارد در سطح جمله صورت نمی‌گیرد و باید به سطح فراتر از جمله و بافت نیز توجه شود.

### ۳. پیشینه‌ی پژوهش

مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده از دیدگاه‌های متفاوت در زمینه‌ی وجه، وجه فعل و وجهیت از سوی زبان‌شناسان در منابع فارسی و غیرفارسی بیانگر تنوع گسترده مطالعه در این حوزه است. برخی از منابع دستوری فارسی نظیر: (Dabirsiyaghi, 1957)؛ (Daeijavad, 1971)؛ (Farshidvard, 2005) و (Gharib, et al., 1984) به وجود شش وجه اخباری، التزامی، امری، شرطی، مصدری و وصفی اشاره نمودند. تعدادی از منابع دستوری نظیر (Shafaei, 1984)؛ (Shariyat, 2001)؛ (Givi & Anvari, 2005) و (Vahidiyankamkar, 1994) به وجود سه وجه اخباری، التزامی و امری اشاره کرده‌اند. برخی از زبان‌شناسان نظیر (Bateni, 1975) به وجود چهار وجه اخباری، التزامی، امری و غیرشخصی در زبان فارسی اعتقاد دارند. (Bateni, 1975) برای اولین بار با رویکرد زبان‌شناسی وجه و وجه فعل را در منابع زبان فارسی مورد بررسی قرار داد (Natelkhanlari, 1987) و برخی از پژوهش‌گران به تعریف و طبقه‌بندی وجه و وجه فعل از دیدگاه نحوی پرداختند. برخی پژوهش‌گران نظیر (Farokhpay, 1979) از دیدگاه معنی‌شناسی زایشی ویژگی‌های نحوی و معنایی افعال وجهی را در زبان فارسی مطالعه نمودند. (Vahidiyankamkar, 1994) و دیگران به طبقه‌بندی وجوه فعل و تمایز وجه التزامی و امری پرداختند. (Akhlaghi, 1995) و دیگران چارچوب نظری پالمر را در زبان فارسی مطالعه نمودند. (Samare, 1993) در اثر پنج جلدی خود با عنوان «آزفا» به آموزش وجوه فعل و ساخت دستوری آن‌ها پرداخت، البته مثال‌های او خارج از بافت زبانی است. (Naghzguykohan, 2008) از دیدگاه نقش‌گرایی بر اساس معیار هاپر و تراگات به بررسی دستوری‌شدگی دو فعل وجهی "باید و شاید" پرداخت. (Talghani, 2007) در رساله‌ی دکتری با عنوان «تعامل وجهیت، نمود و نفی در زبان فارسی» منابع زبان فارسی را از دیدگاه زبان‌شناسی کمینه‌گرا بررسی نمود. (Aghagolzadeh & Abasi, 2012) از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی الگوی جدیدی را برای طبقه‌بندی وجوه فعل ارائه نمودند. (Ilkhanipour, 2015) صفات وجهی را در زبان فارسی مطالعه نمودند.

از دیدگاه نگارندگان، دستورنویسان سنتی در کتاب‌های آموزش دستور زبان فارسی نگاه زبان‌شناسی نادیده گرفته شده است و نمونه‌های ارائه شده در این کتاب‌ها مستقل از بافت هستند. علاوه بر این، در تشخیص و تمایز وجه، بر فعل تأکید کردند، درحالی‌که نگاه باطنی و دیگران زبان‌شناختی است و سطوح مختلف زبانی در مطالعات آن‌ها در نظر گرفته شده است.

زبان‌شناسان غیر ایرانی نظیر (Lyons, 1977) در بررسی وجه، وجه فعل و تقسیم‌بندی آن رویکرد نحوی را لحاظ نمودند، برخی دیگر مانند (Saeed, 1990) رویکرد معنایی را در نظر گرفتند. (Palmer, 1986, 1994) از منظر زبان‌شناسی شناختی و با توجه به رده‌شناختی، مقوله وجه و وجهیت را در زبان‌های

مختلف بررسی نمودند. (Boyer, 1987) بر اساس رویکرد پیکره‌بنیاد به مطالعه و طبقه‌بندی وجه امری در زبان یونانی پرداخت. برخی دیگر با نگاه تطبیقی به تفاوت‌های موجود بین انواع وجوه فعل نظیر: اخباری، التزامی، امری و شرطی در زبان‌های مختلف پرداختند. (Geeraerts, 1991, 2012) با توجه به معنی‌شناسی جهان‌های ممکن، وجهیت را مورد مطالعه قرار دادند. (Portner, 2005) نیز از دیدگاه جهان‌های ممکن وجهیت را بررسی نمود، به اعتقاد او بازنمایی وجهیت را می‌توان در سطح جمله از طریق افعال وجهی و قیدها در سطح سازه‌های کوچک‌تر با کمک اسم‌ها و صفت‌های وجهی و در سطح گفتمان از طریق گواهنمایی<sup>۱</sup> بررسی کرد. هریک از اندیشمندان حوزه‌ی زبان‌شناسی سهم مهمی در بیان مسأله و روشن کردن افق دید پژوهشگران بعدی داشته‌اند و دستاوردهای آنان رهگشای مطالعات بعدی شد. در پژوهش حاضر سعی شده ابهام‌های موجود در تعیین وجه و دشواری‌های تمایز بین وجوه کمتر شود، زیرا در برخی موارد این وجوه با هم همپوشی دارند. امید است دستاوردهای مقاله‌ی حاضر به شناخت بیشتر وجه امری کمک نماید.

#### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف بنیادی و کاربردی است، داده‌ها به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است و برای تحلیل داده‌ها از روش آماری کمی و کیفی استفاده شد. همانطور که از تعریف ارائه شده در مقدمه‌ی مسئله پژوهش و مبانی نظری پژوهش برمی‌آید، جمع‌آوری داده‌ها پیکره‌بنیاد است. در حوزه‌ی مطالعات زبان نوشتاری، پیکره‌های زبانی متفاوتی نظیر: مقاله‌های علمی-پژوهشی، نشریه‌ها و روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصل‌نامه‌ها، کتاب‌های داستانی و ... به سبک‌های مختلف وجود دارد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر برگرفته از پیکره‌ی زبانی کتاب‌های داستانی معاصر زبان فارسی به سبک‌های متفاوت از نویسندگان زن و مرد است. نمونه آماری پژوهش به روش تصادفی ساده انتخاب شده است و داده‌های مورد استفاده عبارتند از هشت کتاب داستانی معاصر:

- ۱) «جبه خان» اثر هوشنگ گلشیری؛
- ۲) «داستان یک شهر» اثر احمد محمود؛
- ۳) «سمفونی مردگان» اثر عباس معروفی؛
- ۴) «شما که غریبه نیستید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی؛
- ۵) «پشت دیوارهای بلند» اثر آذر آریان پور؛
- ۶) «پدر آن دیگری» اثر پرینوش صنیعی؛
- ۷) «رویای تبت» اثر فریبا وفی؛
- ۸) «عادت می‌کنیم» اثر زویا پیرزاد.

1. eventuality



## ۵. ضرورت آموزش وجه در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

گسترش زبان فارسی در عصر جدید از طریق آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان هنوز نوباست و پیشرفت آن نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. در چند دهه‌ی اخیر پژوهش‌های جالب توجه در رشته‌ی آموزش زبان دوم/ خارجی صورت گرفته است. انتخاب وجه فعل و تشخیص انواع وجه در زبان فارسی در سطح جمله و فراتر از آن یکی از نکات دشوار برای زبان‌آموزان خارجی است و متأسفانه در زمینه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان با کمک رویکردهای جدید زبان‌شناسی به‌ویژه رویکرد شناختی پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است.

انتخاب روش تدریس مناسب آموزش زبان نیز دیگر متغیری است که در زبان فارسی کمتر به آن پرداخته شده است. در دهه‌های اخیر آموزش زبان تغییر و تحول چشمگیری داشته است. با گذر از روش آموزش دستور-ترجمه، روش آموزش مستقیم، آموزش شنیداری-گفتاری، روش ارتباطی... و رسیدن به پساروش، شاهد روش‌های بسیار متنوعی در آموزش زبان هستیم، البته برخی از این روش‌ها در کوتاه مدت مناسب بوده و به دلیل ضعف‌های موجود کارآیی چندانی در آموزش دستور زبان نداشته است و تحقق اهداف یادگیری زبان فارسی با مشکلاتی مواجه شد، البته در دهه‌ی اخیر گام‌های بسیار مثبتی در آموزشی زبان فارسی برداشته شده است.

ازآنجاکه محتوای آموزشی تهیه شده در زبان فارسی به‌عنوان بسته‌ی آموزشی کامل در نظر گرفته نمی‌شود و مستقل از بافت زبان است، با روش‌های نوین آموزش زبان نظیر روش ارتباطی مغایرت دارد و هم‌چنین در تقابل با رویکرد شناختی آموزش دستور زبان است، در نتیجه کارآمدی چندانی در آموزش وجه در سطح فراتر از جمله ندارد و در دیگر بخش‌های دستور زبان چالش‌هایی مشاهده می‌شود.

یافته‌های دیگر پژوهش‌گران بیانگر این است که روش آموزش دستور لانگاکر<sup>۱</sup> برای آموزش و شناخت وجه و انواع آن مناسب است. مقاله‌ی حاضر از دیدگاه شناختی به توصیف کمی و کیفی وجه و وجه امری می‌پردازد و بر اساس یافته‌های پژوهشی نمونه‌های چالش برانگیز و جالب توجهی ارائه می‌شود که می‌توان از آن‌ها در آموزش وجه و انواع آن و به‌خصوص وجه امری در زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در بافت زبانی بهره برد. نتایج یافته‌ها در پژوهش‌های انجام شده در حوزه وجه و وجهیت نشان می‌دهد که رویکرد شناختی به دستور زبان در آموزش وجه، وجهیت و وجه امری برای آموزش زبان فارسی راهگشا است.

1. lankager

## ۶. ارائه و واکاوی داده‌ها

با توجه به این که در وجه امری، نگرش گوینده برای بیان امر و فرمان، درخواست، پیشنهاد، آموزش، خواهش و موارد دیگر است، فراوانی کاربرد تعدادی از افعال در وجه امری در پیکره‌ی زبانی پژوهش حاضر قابل ملاحظه است. از این رو، می‌توان یک دسته‌بندی از الگوی ساخت و کاربرد توزیع آن‌ها ارائه نمود و ویژگی‌های آن را با توجه به الگوی ساخت در سطوح مختلف زبانی توصیف نمود و تحلیلی بر اساس زبان‌شناسی شناختی انجام داد، تا به شناخت هرچه بیشتر در خصوص چگونگی انتخاب وجه امری و تحقق وقوع رویداد مورد نظر، کمک نماید. صورت‌های زبانی نظیر افعال، اسامی، صفات و قیده‌های به‌کار رفته در هریک از انواع وجه امری دارای طیف محدودی است مانند: «بیا، برو، ببر، بکن، ببین، نکن، درخواست کردن، اجازه دادن، بهتر است، درود، خداخافظ، ساکت، لطفاً، زودتر، اقلأ، خدایا» که از فراوانی بالا برخوردار هستند. در برخی از طبقه‌ها نظیر: «امر کردن و دستور دادن، درخواست کردن»، به روشنی بیانگر وجه امری است، درحالی که در دیگر طبقه‌ها مانند «آموزش دادن و پند دادن» فعل به‌کار رفته، وجه اخباری دارد؛ ولی قصد و غرض گوینده و مفهوم شناختی نشان دهنده‌ی وجه امری است. بنابراین، نمی‌توان صرفاً به ساخت صوری و نوع وجه فعل بسنده کرد و بهتر است دیگر سازه‌ها و سطوح زبانی نیز مورد توجه قرار گیرند.

از ۱۸۵۴ داده بدست آمده ۳۸٪ از آن‌ها در طبقه‌ی «دستور دادن» قرار دارند و مفهوم امر به انجام عمل یا نهی از وقوع آن را بازنمایی می‌کند. ۱۹،۳٪ از داده‌ها بیانگر طیف متنوعی از درخواست‌ها است، از درخواست‌های روزمره که کاربرد فراوانی دارند گرفته تا خواهش، اجازه و دعاهای روزانه. این دو طبقه بالاترین میزان فراوانی را دارند، درحالی که دیگر طبقه‌ها به‌ترتیب از میزان کاربرد و فراوانی کمتری برخوردار هستند. ۱۰،۱٪ از داده‌ها برای بیان دعوت به انجام عملی به‌کار رفته است. ۸،۵٪ برای بیان پیشنهاد، ۷،۶٪ از داده‌ها برای آموزش دادن، ۳،۹٪ به‌منظور تهدید و هشدار و ۳،۲٪ از داده‌ها برای جلب توجه مخاطب به‌کار گرفته است. همچنین ۲،۴٪ از داده‌ها در مقوله‌ی پند و اندرز، ۲،۳٪ از نوع التماس کردن و دعا کردن، ۲،۱٪ برای بیان گستاخی و بی‌ادبی، ۱،۵٪ در گروه سلام و احوالپرسی و ۱،۱٪ در طیف زبانی وصیت به انجام عمل قرار گرفته‌اند و از فراوانی پائین‌تری برخوردار هستند. جدول زیر نمونه‌هایی از کارکرد وجه امری را در سطوح معنایی متفاوت نشان می‌دهد.

جدول ۱. طبقه‌بندی وجه امری از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی

نمونه‌هایی از هر یک از طبقه‌ها	درصد در هر طبقه	طبقه‌بندی وجه امری
چراغ را ور دار برو بگو زود بیان (Moradikermani,2005,p.204).	۳۸٪	امر کردن
از تو در خواست می‌کنم که با درخواست متارکه من موافقت کنی (Aryanpour,2001,p. 239)	۱۹,۳٪	درخواست کردن
تعارف نکن. بیا جانم...قند و چائی تا دلت بخواد فراوانه (Ahmadmohmood,2002,p.148)	۱۰,۱٪	دعوت کردن
صبر کن استوار مینابی بیاد شکایت کن (Ahmadmohmood,2002,p.325)	۸,۵٪	پیشنهاد دادن
دهنتو باز کن بگو آب می‌فهمی چی می‌گم یا نه؟ (Sanei, 2004, p.105)	۷,۶٪	آموزش دادن
زنیکه تو زنده نمی‌مانی که ببینی ساواک قدرتش را از دست بدهد، فهمیدی؟ (Aryanpour,2001,p.52)	۳,۹٪	تهدید کردن
می‌گفت بین اخبار در مورد بازنشسته‌ها چه می‌گوید (Vafi, 2005, p.100).	۳,۲٪	جلب توجه کردن
مته بچه آدم اقرار کن و زندگی خودت را نجات بده وگرنه بدبخت میشی! (Ahmadmohmood,2002,p.175)	۲,۳٪	پند دادن
شما رو به خدا اسمشو بنویسین (Ahmadmohmood,2002,p.225)	۲,۴٪	التماس کردن و دعا کردن
خفه شو و گورت را گم کن (Aryanpour,2001,p.232)	۲,۱٪	گستاخی کردن
به طور رسمی گفت: خداحافظ خانم، سلام مرا خدمت آقای شیخ ابلاغ کنید (Aryanpour,2001,p.60)	۱,۵٪	سلام و احوال‌پرسی کردن
یاد فروغ می‌افتادم که می‌گفت بعد از مردنم، جنازه ام را بیندازید توی چاه مستراح (Vafi, 2005, p.19).	۱,۱٪	وصیت کردن

بر اساس رویکرد شناختی به زبان، اگر برای تعریف فعل ویژگی کنشی بودن را اساس قرار دهیم، به افعالی مانند «تمرین کردن، نوشتن و کار کردن» برمی‌خوریم که بیانگر فعالیتی آشکار هستند و بهترین نمونه‌ی فعل به‌شمار می‌روند و برای تعیین وجه در این نمونه‌ها مشکلی وجود ندارد، اما در مورد افعالی نظیر: «دوست داشتن، فکر کردن و باور داشتن» که رویداد زبانی را در ذهن بازنمایی نمی‌کنند، با مشکل مواجه می‌شویم. بنابر این، افعال غیرکنشی که نمونه‌ی مناسبی نیستند، وجه امری را به‌خوبی بازنمایی نمی‌کنند. علاوه بر این، اگر وجه امری با توجه به فعل و در سطح جمله مورد بررسی قرار گیرد، دیگر صورت‌های زبانی نظیر اسم، صفت و قید که در داده‌های بالا نیز به آن‌ها اشاره شد و بر وجه امری دلالت می‌کنند، نادیده

گرفته می‌شوند. تحلیل داده‌ها توزیع متنوعی از وجه امری را در سطوح زبانی متفاوت نشان می‌دهد که به لحاظ صورت و معنا تمایز دارند و طیف گسترده‌ای از صورت‌ها و سطوح زبانی را پوشش می‌دهد نظیر:

(۱) با زرتشتی‌ها که تو سیریچ باغ داشته‌اند بیا و برو داشتند (Moradikermani, 2005, p. 175).

(۲) حالا خر بیار و معرکه بار کن (Ahmadmohmood, 2002, p. 57).

در نمونه‌های بالا، صورت‌های زبانی «بیا و برو و خر بیار و معرکه بار کن» دارای ساختاری مشابه با فعل امر هستند، درحالی‌که در این بافت زبانی نقش اسمی و اصطلاحی دارند و وجه امری را بازنمایی نمی‌نمایند. بنابراین، در تعیین وجه امری تکیه کردن به سطح ساخت صورت زبان به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید دیگر سطوح زبانی نظیر معنا نیز مورد توجه قرار گیرد.

(۳) لطفاً یواش‌تر (Vafi, 2005, p. 6).

(۴) فاتحه! (Ahmadmohmood, 2002, p. 457).

در مثال‌های بالا با وجود حذف فعل، دیگر صورت‌های زبانی نظیر «لطفاً و فاتحه» بیانگر خطاب است و صورت‌های خطابی به همراه اسم، صفت و قید نیز در زبان فارسی وجه امری را بازنمایی می‌کنند. بنابر این، وجود فعل امر در سطح جمله شرط لازم و تعیین‌کننده‌ی وجه امری نیست.

(۵) بدم سرباز... تا به حرف بیای! (Ahmadmohmood, 2002, p. 302).

در مثال بالا، از دیدگاه دستوری جمله دارای ساخت سببی است و وجه فعل از نوع اخباری است، درحالی‌که به لحاظ معنایی در این بافت موقعیتی، وجه فعل امری است و به مفهوم دستور می‌دهم که این فرمان توسط سرباز انجام شود، به ذهن تداعی می‌شود. بنابراین، نمونه‌های بالا کاربرد وجه امری را در ساخت سببی، خطابی و شرطی زبان فارسی نشان می‌دهد.

## ۱.۶. وجه امری

داده‌های زیر کاربرد وجه امری را در جمله‌های ساده و مرکب نشان می‌دهد. در این نمونه‌ها کاربرد انواع متفاوت وجه امری از نوع دستور دادن، درخواست کردن، دعوت کردن، نصیحت کردن، آموزش دادن، تهدید کردن، جلب توجه کردن و ... مشاهده می‌شود. علاوه بر این، در این داده‌ها تطابق یک‌به‌یک بین صورت و معنای وجه فعل وجود دارد و تعیین نوع و شناخت وجه فعلی چالش برانگیز نیست.

(۶) بازداشتش کن (Ahmadmohmood, 2002, p. 55).

(۷) تو حرفت را بزن، قصه‌ی امشب را تمام کن، طفره نرو، وقت نداری عزیزم (Golshiri, 2000, p. 55).

(۸) طبق دستور عمل کنید و از مقابله‌ی شدید واهمه نداشته باشید (Aryanpour, 2001, p. 59).

(۹) چراغ رو ور دار برو بگو زود بیان (Moradikermani, 2005, p. 204).

- ۱۰) از تو درخواست می‌کنم که با درخواست متارکه موافقت بکنی (Aryanpour, 2001, p. 293).
- ۱۱) گفتم معاشرت کن، بیرون برو، بگو، بخند. نگفتم عاشق شو (Pirzad, 2006, p. 165).
- ۱۲) خیلی خب، خیلی خب، زودتر برو. بهتره که تو پادگان نباشی! (Ahmadmohmood, 2002, p.201).
- ۱۳) شهاب جون بگو آب! این جووری بگو آ...آ... (Sanei, 2004, p. 10).
- ۱۴) خفه شو. چایت را تو همان کاروانسرا بخور، مرده شورت ببرند (Maroofi, 2004, p. 30).

## ۶.۲. وجه اخباری

- در وجه اخباری وقوع یا عدم وقوع فعل با قطعیت بیان می‌شود. در داده‌های پژوهش حاضر صورت‌های خطایی، سببی و شرطی مشاهده می‌شود که از دیدگاه ساخت صوری وجه فعل اخباری است، درحالی‌که به لحاظ معنایی وجه امری است و به صورت‌های متفاوت بازنمایی می‌شود و تطابق یک‌به‌یک بین صورت و معنا وجود ندارد. در این نمونه‌ها، توجه به صورت و معنا هر دو در تعیین و شناخت وجه رویداد زبانی ضرورت دارد.
- ۱۵) خانه مصادره شد، در را باز کن! مامور فریاد بلندی کشید: "در را باز کن!" (Aryanpour, 2001, p. 191).
- ۱۶) خانم سفارش کرد فوری زنگ بزنید (Pirzad, 2006, p. 12).
- ۱۷) فرموده‌اند دیگر نشستن بس است (Golshiri, 2000, p. 160).
- ۱۸) کم کاری بکنی اخراجت می‌کنم‌ها (Pirzad, 2006, p. 109).
- ۱۹) می‌بینی که زنده‌ام. نگاه کن (Maroofi, 2004, p. 329).
- ۲۰) زنیکه تو زنده نمی‌مانی که ببینی ساواک قدرتش را از دست بدهد، فهمیدی (Aryanpour, 2001, p.52).

## ۶.۳. وجه التزامی

- در وجه التزامی وقوع فعل با تردید، توصیه، شرط و آرزو بیان می‌شود و به لحاظ ساخت صوری زبان تمایزی بین وجه امری و التزامی مشاهده نمی‌شود و ساخت یکسانی دارند، البته این به این معنا نیست که دارای معنای مشابه هستند. در داده‌های زیر، تطابق یک‌به‌یک بین صورت و معنا وجود ندارد، از یک سو وجود فعل وجهی «باید»، و از سوی دیگر حرف ربط «تا» تعیین نوع وجه را دشوار می‌سازد. بنابراین، تمایز دو وجه امری و التزامی را با توجه به معنی در سطح فراتر از جمله می‌توان دریافت.
- ۲۱) ته داستان نتیجه گرفته بودم که: پس ما باید بکوشیم، درس بخوانیم، زحمت بکشیم تا بتوانیم خود را بالا بکشیم که زندگی خوبی داشته باشیم خوب بخوریم و خوب بپوشیم تا به ما «خر» نگویند و «الاغ» بگویند (Moradikermani, 2005, p. 30).
- ۲۲) بچه‌ها... افراد خانواده باید به هم محبت کنن... (Ahmadmohmood, 2002, p. 3).

#### ۶.۴. وجه شرطی

وجود عناصر شرط در سطح جمله و فراتر از آن بیانگر وجه شرطی است. به اعتقاد برخی دست‌نویسان برای بیان مفهوم شرط می‌توان از وجه اخباری، التزامی و امری استفاده کرد و وجه شرطی را نوعی وجه التزامی می‌دانند. نمونه‌های زیر، ساخت صوری وجه شرطی را بازنمایی می‌کند؛ اما از دیدگاه معنایی وجه امری هستند.

۲۳) اگر از قوانین ماطاعت نکنی، دفعه دیگر راهت نمی‌دهم، فهمیدی؟ (Aryanpour, 2001, p.39)

۲۴) اگه ناشتائی نخوردی یه تکه نون بذار پیشور تنور تا خشکه پز بشه

(Ahmadmohmood, 2002, p.61).

۲۵) اگه چای می‌خوری بیا تازه دم کرده‌ام (Ahmadmohmood, 2002, p. 182).

۲۶) گورت را گم کن و برو و دیگر این طرفها پیدایت نشود و گرنه یک بلایی سرت در می‌آورم که از

خجالت نتوانی از خانه بیرون بیایی! (Aryanpour, 2001, p. 52).

۲۷) ببین شهاب جون اگه پسر خوبی باشی و حرف منو گوش بدی موقع برگشتن برات یه بستنی گنده

می‌خرم، باشه! (Sanei, 2004, p. 75).

#### ۶.۵. پرسشی

داده‌های زیر رویداد زبانی پرسشی را به صورت منفی و مثبت بازنمایی می‌کنند که از درجات متفاوتی از قطعیت برخوردار هستند. از دیدگاه معنایی انواع متفاوت وجه امری نظیر دستور دادن (نمونه‌ی شماره‌ی ۳۳)، درخواست کردن (نمونه‌ی شماره‌ی ۳۱)، پیشنهاد دادن (نمونه‌ی شماره‌ی ۲۹)، تهدید کردن (نمونه‌ی شماره‌ی ۳۳)، آموزش دادن (نمونه‌ی شماره‌ی ۳۲)، جلب توجه کردن (نمونه‌ی شماره‌ی ۳۵) و... به ذهن گویشور زبان تداعی می‌شود. بنابراین، در این نمونه‌ها نیز تطابق یک‌به‌یک بین صورت زبانی و معنا وجود ندارد.

۲۸) دیگه نبینم از اون کارها بکنی، قول می‌دهی؟ (Ahmadmohmood, 2002, p. 46).

۲۹) می‌خواهی دختر دایی ناصرت را برات بگیرم؟ (Maroofi, 2004, p. 227).

۳۰) شازده کوچولو، ببین از این آدم‌ها و شکلات‌ها، چی دوست داری؟ (Sanei, 2004, p. 173).

۳۱) چرا نمی‌روید با مادرت زندگی کنید؟ خیال من راحت‌تر می‌شود که بدانم شما تنها نیستید

(Aryanpour, 2001, p.70).

۳۲) دهن‌تو باز کن این جوری بگو آب می‌فهمی چی می‌گم یا نه؟ (Sanei, 2004, p.105).

۳۳) می‌ری فرشته رو بیاری یا کمیته خبر کنم (Sanei, 2004, p.127).

۳۴) مگه... نگفتم بر پا؟!... چرا پا نمیشین؟! (Ahmadmohmood, 2002, p.446).

۳۵) می‌بینی؟!... می‌بینی مردم چقدر نامسلمونن؟! (Ahmadmohmood, 2002, p.374).

۳۶) می‌گویم: «آخر زن، کی سر عقل می‌آیی؟» (Golshiri, 2000, p.15).

۳۷) مگه... نگفتم بر پا؟!... چرا پا نمیشین؟! (Ahmadmohmood, 2002, p.44).

## ۶.۶. کارکرد وجه امری بدون فعل امر (دیگر صورت‌های زبانی نظیر اسم، صفت و قید)

با وجود این‌که در داده‌های زیر حذف فعل صورت گرفته است، صورت اسمی، صفتی و قیدی نظیر التماس، دعا، فاتحه، باز، لال، لطفاً، زودتر ... بیان‌گر وجه امری هستند.

۳۸) آب انار لطفاً. (Pirzad, 2006, p.100).

۳۹) تهمینه خانم، اخم‌ها باز لطفاً (Pirzad, 2006, p.13).

۴۰) زودتر... آمبولانس! (Ahmadmohmood, 2002, p.488).

۴۱) ساعت پنج و نیم باغ معین... یادت نره رفیق! (Ahmadmohmood, 2002, p.488).

۴۲) التماس دعا! (Ahmadmohmood, 2002, p.536).

۴۳) «ننگت باد» (Ahmadmohmood, 2002, p.503).

۴۴) صبح شما بخیر (Pirzad, 2006, p.116).

۴۵) خداحافظ (Pirzad, 2006, p.254).

۴۶) گروهان درود! (Ahmadmohmood, 2002, p.150).

۴۷) سرهنگ نعره می‌کشد- ساکت! (Ahmadmohmood, 2002, p.1).

۴۸) فاتحه! (Ahmadmohmood, 2002, p.457).

۴۹) زبانت لال و گوشت کرا! (Ahmadmohmood, 2002, p.499).

## ۶.۷. اصطلاحات زبانی با ساخت امری

ساخت و صورت زبانی داده‌های زیر امری است، درحالی‌که مفاهیم گزاره‌ها کاربرد وجه امری را به ذهن گویشور زبان تداعی نمی‌کند. صورت‌های زبانی «بگو، بزرگ کن، معلمش کن، نگو، خر بیار و باقالی بار کن و ...» در بافت موقعیت از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی برای توصیف شرایط موجود به‌کار گرفته می‌شوند و کارکرد اصطلاحات زبانی را دارند.

۵۰) تو که باز خوب، من را بگو (Golshiri, 2000, p. 153).

۵۱) اینم از بچه، بزرگ کن، معلمش کن، ... (Moradikermani, 2005, p. 11).

۵۲) بارانی می‌آمد که نگو (Golshiri, 2000, p. 137).

۵۳) چه چشم‌هایی دارد، برقی می‌زند که نگو؟ (Golshiri, 2000, p.153).

۵۴) شب عروسی خر بیار باقالی بار کن (Pirzad, 2006, p. 240).

۵۵) دو تا تیم می‌افتند به جان هم. حالا زن و کی بزن (Moradikermani, 2005, p. 272).

## ۶.۸. صورت‌های اسمی با ساخت امری

در نمونه‌های زیر، صورت‌های زبانی «بزن و بکوب»، «جمع کن»، «بریز و بپاش»، «برو بیا»، «نترس»، «جمع کن»، «بساز و بفروش» و ... از دیدگاه صورت فعل امر هستند؛ اما در ساخت غیرفعلی قرار دارند و به لحاظ مفهومی نقش و کارکرد اسمی و صفتی ... دارند. بنابراین، با توجه به رویکرد زبان‌شناسی شناختی همه‌ی عناصر زبانی در بافت موقعیت در تعیین وجه امری تأثیرگذار است.

۵۶) عمو صابر خواهش کرد که بزن و بکوب نباشد (Maroofi, 2004, p. 139).

۵۷) خیلی‌ها رادیو نداشتند و آن‌ها که داشتند کلی برو و بیا و اهن و تلمپ داشتند (Moradikerman, 2005, p. 166).

۵۸) روزی روزگاری برو و بیایی داشت (Moradikermani, 2005, p. 189).

۵۹) دیده بودم که آدم‌های نترس و شجاع چیزهای سیاسی می‌نویسند و گل می‌کنند (Moradikermani, 2005, p. 315).

۶۰) پدر گفت: «به این دست‌ها نگاه کنید، این پسر مال جمع کن می‌شود..» (Maroofi, 2004, p. 89).

۶۱) شب‌ها از گذشته می‌گوید. از نصرالله خان، از پدرم، از روزهای خوش و خوب دارندگی و بریز و بپاش (Moradikermani, 2005, p. 201).

۶۲) تازه تو آن بگیر و ببند و دعوا و گریه و ناله کسی انعام نمی‌داد (Moradikermani, 2005, p. 331).

۶۳) هم خانه نیفتاد گیر بساز و بفروش. (Pirzad, 2006, p. 23).

## ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای آموزشی و پژوهشی

در پژوهش حاضر با نگاهی تحلیلی و رویکرد زبان‌شناسی شناختی به مطالعه کارکرد وجه امری در ادبیات داستانی زبان فارسی پرداخته شد. بر اساس تعریف وجه، نگرش گوینده نسبت به وقوع یا عدم وقوع رویداد زبانی در وجه اهمیت دارد، زیرا بیانگر میزان اطمینان گوینده در خصوص گزاره‌ی زبانی است. با توجه به اینکه پیکره‌ی زبانی پژوهش حاضر بافت‌بنیاد است، بافت نقش مهمی در تعیین و شناخت نوع وجه فعل در سطح جمله و فراتر از آن دارد. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، اگر گوینده در مورد وقوع فعل اطمینان داشته باشد، از وجه اخباری استفاده می‌کند، چنانچه در خصوص وقوع رخداد تردید داشته باشد، وجه التزامی را به کار می‌گیرد. در خصوص وجه امری نگرش گوینده بر اجرای فرمان یا نهی از انجام آن اهمیت دارد.



نتایج تحلیل داده‌های پژوهش بر اساس رویکرد زبان‌شناسی شناختی و با تأکید بر سؤالات مطرح شده، نشان دهنده‌ی این است که در برخی موارد وجه فعل به‌لحاظ ساخت نحوی زبان به صورت اخباری است؛ اما از دیدگاه معنی و در نظر گرفتن سطوح متفاوت زبانی و بافت، وجه فعل امری است. در ضمن، در برخی موارد از افعال وجهی و ساخت فعل که بیانگر وجه التزامی است، استفاده شده است، در حالی که بافت زبانی بر کاربرد وجه امری دلالت دارد، نظیر نمونه‌هایی که در بخش بالا اشاره شد.

با توجه به تفاوت موجود بین صورت و معنا در نمونه‌های بالا، می‌توان گفت که طرح سؤال در این خصوص جای بحث و بررسی دارد، زیرا کاربرد فعل «قول می‌دهی؟، می‌فهمی؟...» به‌لحاظ صورت وجه اخباری است و ساخت پرسشی دارد، درحالی‌که از دیدگاه معنی بیانگر وجه امری است، یعنی «قول بده، بفهم...». علاوه بر این، برخی صورت‌های زبانی نظیر «برو و بیا، بزن و بکوب» در بافت وجه امری را بازنمایی نمی‌کنند؛ بلکه از مقوله‌ی اسم هستند. در ضمن، در ساخت جمله‌ی «خانم، بیمار سوند لازم دارد»، بافت موقعیت و ساخت خطابی و کاربرد صورت اسمی «خانم» بیانگر وجه امری است و صورت و معنی فعل «لازم داشتن» این را نشان نمی‌دهد.

از آنجاکه بازنمایی ابزارهای زبانی وجه امری در صورت‌های زبانی متنوع نظیر: «اخباری، التزامی، شرطی، پرسشی، خطابی و حتی سببی» و با مفاهیم متفاوت مانند «دستور دادن، درخواست کردن، دعوت کردن، پیشنهاد دادن، آموزش دادن، هشدار دادن، گستاخی کردن و غیره» مشاهده می‌شود، در نتیجه طرح سؤال پژوهشی در رابطه با تمایز صورت و معنی و بازنمایی انواع وجه امری در ساخت‌های زبانی متفاوت ضرورت دارد. تحلیل شناختی داده‌های به‌دست آمده، بر اهمیت کاربرد مقوله‌های زبانی مختلف در صورت‌های متنوع زبان فارسی تأکید دارد. البته با اطمینان نمی‌توان در مورد تعیین وجه امری در ساخت‌های متنوع زبان فارسی نظر داد، چون دیگر عناصر زبانی نظیر بافت موقعیت، سبک ادبی، تغییر و تحول فرهنگی-اجتماعی نیز تأثیرگذار هستند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگر در مورد تحقق رویداد زبانی اطمینان وجود داشته باشد، به‌لحاظ صورت و ساخت زبانی از وجه اخباری استفاده می‌شود؛ ولی مفهوم وجه امری به ذهن تداعی می‌شود، چنانچه در مورد وقوع رویداد زبانی شک و تردید وجود داشته باشد، از وجه التزامی استفاده می‌شود. نتایج یافته‌ها بر دشواری تعیین وجه و تحقق رویداد زبانی تأکید دارد، زیرا تناظر یک‌به‌یک بین صورت زبانی و معنی وجود ندارد. بنابراین، برای تعیین نوع وجه و تحقق رویداد زبانی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی باید به صورت، معنی، بافت و همه‌ی سازه‌های زبانی تأثیرگذار در سطح جمله و فراتر از آن توجه شود.

## فهرست منابع:

- آریان‌پور، آذر. (۱۳۸۱). *پشت دیوارهای بلند*، تهران: نشر اختران.
- آقاگل‌زاده، فردوس، عباسی، زهرا. (۱۳۹۱). *ارائه‌ی الگویی برای آموزش وجه و زمان دستوری به غیرفارسی‌زبانان: رویکرد زبان‌شناسی شناختی*. پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمد، محمود. (۱۳۸۱). *داستان یک شهر*، تهران: نشر معین.
- اخلاقی، فریار. (۱۳۷۷). *بررسی نحوی و معنایی افعال وجهی در فارسی امروز*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایلخانی پور، نگین. (۱۳۹۴). *صفت در زبان فارسی*، تهران: نشر مرکز.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*، تهران: امیر کبیر.
- پیرزاد، زویا. (۱۳۸۵). *عادت می‌کنیم*، تهران: نشر مرکز.
- ثمره، یدالله. (۱۳۷۲). *آموزش زبان فارسی (آزفا): دوره‌ی مقدماتی کتاب اول*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*، تهران: سمت.
- رحیمیان، جلال. (۱۳۷۸). *وجه فعل در فارسی امروز، مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۲ (۲)، صص: ۴۱-۵۲.
- شریعت، محمد جواد. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*، تهران: اساطیر.
- شفایی، احمد. (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: نوین.
- غلامعلی‌زاده، خسرو. (۱۳۸۴). *ساخت زبان فارسی*، تهران: احیاء کتاب.
- صوفی، کوروش. (۱۳۸۰). *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: پژوهشگاه و هنر اسلامی.
- صنّعی، پرینوش. (۱۳۸۳). *پدر آن دیگری*، تهران: نشر روزبهان.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۴). *دستور مفصل امروز*، تهران: انتشارات سخن.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۹). *جبه‌خانه*، تهران: نشر نیلوفر.
- مرادی کرمانی، هوشنگ. (۱۳۸۴). *شما که غریبه نیستید*، تهران: نشر معین.
- معروفی، عباس. (۱۳۸۴). *سمفونی مردگان*، تهران: نشر ققنوس.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۶). *تاریخ زبان فارسی*، جلد دوم، تهران: نشر نو.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۳). *وجه التزامی و زمان‌های فعل، مجله زبان‌شناسی، پاییز و زمستان*، ۱۱ (۲)، صص: ۹۵-۱۰۸.
- وفی، فریبا. (۱۳۸۴). *رویای تبت*، تهران: نشر مرکز.

## References:

- Ahmad, M. (2002). *Dastan yek shar*. Tehran: Moein
- Aryanpour, A. (2001). *Poshte divarhay boland*. Tehran: Markaz.
- Akhlaghi, F. (1995). *The Semantic and Syntactic Study of Modal verbs in Modern Persian Language*. Doctoral dissertation, Humanity Science Research and Cultural Study Center, Tehran, Iran.

- Aghagolzadeh, F. & Abasi, z.** (2012). *Teaching Persian Subjunctive Mood and Tense to NonPersian Students Based on Cognitive Linguistics (Mental Spaces Theory)*. Doctoral dissertation, Tarbiyat Modars university, , Tehran, Iran.
- Batani, M.** (1975). *Persian Language Grammar*, Tehran: Amirkabir..
- Boyer, J.** (1987). *Language Contact* conflict, Montreal University Press.
- Bybee, J., Perkins., R., & Pagliuca, W.** ( 1994). *The Evolution of Grammar: Tense, Aspect and Modality in the Languages of the World*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Croft, W., & Cruse, D. A.** (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabirseyaghi, M.** (1956). *Persian Language Grammar*, Tehran: Amirkabir.
- Daei javad, R.** (1961). *Persian Language Grammar*, M. A. thesis, Tehran University, Tehran, Iran.
- Evans, V., & Green, M.** (2006) *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburg: Edinburg University Press Ltd.
- Farukhpaei, M.** (1979). *language and linguistics*. Tehran: Samt..
- Farshidvard, Kh.** (2005). *Modern comprehensive Grammar*, Tehran: Sokhan.
- Garib, A., Bahar, M. T., Homaei, j., Fooruzanfar, B., & Yasemi, R.** (1921). *Persian Language Grammar*, Tehran: Amirkabir.
- Gholamalizade, Kh.** (2005). *Persian Language Structure*, Tehran: Ehyaketab.
- Houshang, G.** (2000). *Jobeh khane*. Tehran: Nilooufar.
- Hopper, P. J. & Traugott, Elizabeth, C.** (1993). *Grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press (Cambridge Textbooks in Linguistics) (2<sup>nd</sup> ed. 2003).
- Kratzer, A.** (1977). What 'must' and 'can ' mean. *Linguistics and Philosophy* 1:337-355.
- Ilkhanipour, N.** (2015). *Modal Adjectives in Persian* . Tehran: Nashr-e Markaz.
- Lakoff, G.** (1990). The Invariance Hypothesis: is abstract reason based on image schemas?, *Cognitive linguistics*, 1,1,39-74.
- Langacker, R.** (1987). *Foundations of Cognitive Grammar*, Vol.1. Stanford: Stanford University Press.
- \_\_\_\_\_. (2005). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_. (2008) *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Lyons, J.** (1977). *Semantics, Vol. 2*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Maroofi, M.** (2004). *Samfouni mordegan*. Tehran: Ghoghnoos.
- Miller, J. (Eds.)**. *Concise Encyclopedia of Grammatical Categories*, Oxford: Elsevier, 229-235.
- Moradi Kermani, H.** ( 2000). *Shoma ke gharibe nistid*. Tehran: Moein.
- Naghzgoiyokohan, M.** (2011). The Comparison between Grammaticalization and Degrammaticalization in Modern Persian( Case Study: The Conversion of some Inflectional affixes to Derivational ones), *Journal of Linguistics and Khorsan Dialects*.
- Natelkhanlari, P.** (1987). *The history of Persian Language*, Vol.2, Tehran: Nei Publication.
- Palmer, F. R.** (1986). *Mood and modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R.** (1990). *Modality and the English Modals*, second ed. London: Longman.

- Palmer, F. R.** (1998). *Mood and Modality: basic principles*. In: Brown, K. and J.
- Pirzad, Z.** (2004). *Adat mikonim*. Tehran: Markaz.
- Portner, P.** (2005). *Imperative and Modals in Natural Language Semantics*. Oxford University Press.
- Portner, P.** (2009). *Mood & Modality*. Oxford University Press.
- Rosch, E.** (1975). Cognitive representations of semantic categories. *Journal of Experimental psychology: General*, 104(3), 665-233.
- Rasekhmahand, M.** (2010). *Introduction on Theories and Concepts*, Tehran: Samt
- Rahimiyan, J.** (1999). Verb Mood in Modern Persian Language, *Humanity and Social Science Journal*, 14(2), 41-52.
- Safavi, K.** (2001). *Introduction on Semantics*, Tehran: Research and Islamic Art.
- Samare, Y.** (1993). *Teaching Persian Language*, Book 1, Introductory Level, Tehran: International Almahdi.
- Sanei, P.** (2004). *Pedar an digari*. Tehran: Ruzbahan.
- Shafaei, A.** (1984). *The Scientific Principals of Modern Persian Grammar*, Tehran: Novin.
- Shariyat, M. J.** (2005). *Persian Language Grammar*, Tehran: Asatir.
- Saeed, J. R.** (1997). *Semantics*, Oxford: Blackwell.
- \_\_\_\_\_. (1990). *Semantics*, London: Wiley-Blackwell.
- Taleghani, H. A.** (2008). *Modality, aspects and negation in Persian*, Toronto University Press.
- Vafi, F.** (2004). *Roya tabat*. Tehran: Markaz.
- Vahidiyankamkar, T.** (1994). Subjunctive Mood and Verb Tenses, *Linguistic Journal*, 11(2), 95-108.